

عطر مهربانی



حرف‌های یک دوست

حاج آقا راشد یزدی

چرا ((شناخت)) مهم‌ترین وظیفه‌ماست؟

به نظر بنده اولین و مهم‌ترین چیزی که هر جوان باید در خودش به وجود بیاورد قدرت تشخیص است.

قدرت تشخیص یعنی این که انسان تکلیف و وظیفه خودش را در هر زمان بداند. این خیلی خوب است که آدم، زمان شناس باشد. رمز موفقیت هر آدمی همین است.

کسی که زمان‌شناس نباشد و تکلیف خودش را نداند، مثل راننده‌ای است که در یک جاده پرپیچ و خم به دلیل ناآگاهی یا ناآشنایی با جاده، گرفتار دزدان و گزده‌های خطرناک می‌شود و سقوط می‌کند. این که در هر زمانی وظیفه آدمی چه اقتضا می‌کند، مسئله بسیار با اهمیتی است. وقتی قدرت شناخت و تشخیص به دست آمد هر کسی می‌رود سراغ کار و تکلیف خودش، یکی وظیفه‌اش را تحصیل علوم دینی می‌داند، دیگری رفتن به دانشگاه، یکی فیزیک خواندن، دیگری خواندن شیمی، کسانی هم سراغ کاسبی می‌روند و... اگر همه به تکلیف خودشان عمل کنند، کارها اصلاح می‌شود. قدرت تشخیص این قدر مهم است و این قدرت به دست نمی‌آید مگر با کسب علم و انجام مطالعه و تحقیق. شناخت و معرفت، ارثی نیست که از پدر به پسر برسد. نوع سطحی و کم‌عمق آن هم به درد نمی‌خورد. باید به دنبال شناخت علمی و عمیق رفت تا وظیفه‌شناس شد.

یکی از راه‌های کسب شناخت، مطالعه است. جوانی را می‌شناسم که با ۲۲ سال سن حدود ۱۸۰۰ جلد کتاب خوانده است. خوب معلوم است چقدر به معلوماتش اضافه شده است، اما این نکته هم مهم است، مطالعه اگر بخواهد مؤثر باشد، باید هدفمند و جهت‌دار شود. مطالعه نباید تنها عرضی یا که طولی باشد باید به مطالعات خودمان جهت بدهیم. عزیزان من بدانید هر چیزی ارزش وقت گذاشتن ندارد. لحظه به لحظه عمر آدم خیلی قیمت دارد. باید مطالبی بخوانیم که نه تنها عمرمان را تلف نکند، بلکه بر معرفت و شناخت ما تأثیر مثبت بگذارد. این که چه کتابی بخوانیم و چه کتابی نخوانیم، این را باید در مشورت با افراد صاحب نظر و خوش فکر به دست آورد. ان شاء الله با تلاش و کوشش و مطالعه درست و صحیح، در راه شناخت وظیفه‌های دنیایی و آخرتی خودمان برای رسیدن به سعادت ابدی موفق شویم.

دعاگوی همه شما فرزندان عزیزم هستم.

خداوند نیز عذاب دردناکی بر ایشان نازل فرمود و آنان را هلاک کرد و تنها کسانی که امر به معروف می‌کردند، از این عذاب مصون ماندند.

پیام‌های عبرت‌آمیز داستان قرآنی

از این داستان الهی دو نکته بسیار مهم قابل توجه است:

۱. توجیه آموزه‌های دینی و تفسیر به رأی آن‌ها موجب عذاب و خشم و غضب الهی است.
۲. امر به معروف و برائت از هنجارشکنان و قداست‌شکنان، موجب ایمنی از عذاب الهی است. نهی‌کنندگان از منکر و توصیه‌کنندگان به خوبی‌ها که با انگیزه عشق به مکتب و نظام ارزشی برتر و بالاتر قدم به میدان وعظ و اندرز می‌گذارند و در جهت زدودن بدی‌ها و انحرافات از سطح جامعه می‌کوشند، در دنیا و آخرت از خشم و غضب الهی در امان هستند. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: (لحظة فرا رسیدن عذاب الهی) نهی‌کنندگان از بدی را از عذاب نجات دادیم.^۲

از سوی دیگر قوم سبت (اهالی روز شنبه) به توجیه احکام و آموزه‌های دینی اشتهار دارند. تخلف از احکام دین و توجیه از تخلف، نوعی لجاجت و عوام‌فریبی و گمراهی است و به نوعی کلاه شرعی برای تخلف خویش ساختن است.

بنابراین هنجارشکنی و تخلف از آموزه‌های دینی همان قدر ناپسند است که توجیه کردن تخلف از آن. باید گفت که جامعه همواره به نهی از منکر و امر به معروف، نیاز دارد.

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای شرعی و دینی است و کسی نمی‌تواند بانوچیه کردن و به بهانه تأثیرگذار نبودن، آن را ترک کند.

از داستان‌های عبرت‌آمیز قرآن، سرگذشت اصحاب سبت است: *وسلّم عن القرية التي كانت حاضرة البحر اذ يعدون في السبت*^۱

براساس تعلیمات حضرت موسی بن عمران (ع)، قوم بنی اسرائیل موظف بودند که در ایام هفته یک روز را به عبادت خدا بپردازند و در این روز از پرداختن به امور دنیا بپرهیزند و تجارت، کسب و بازار را تعطیل کنند. بنابر درخواست بنی اسرائیل این روز، شنبه تعیین شد. در این روز حضرت موسی (ع) در جمع مردم حاضر می‌شد و آنان را موعظه می‌کرد. کم‌کم این روز برای بنی اسرائیل روز مقدسی شد و همه برای آن احترام و ارزشی قائل بودند. این وضع تا زمان پیامبری حضرت داود (ع) ادامه یافت.

در زمان حضرت داود، مردمی از قریه «ایله» که در ساحل دریا ساکن بودند، اقدام به عبور از خطوط قرمز و هنجارشکنی کردند و قداست روز شنبه را شکستند. البته قداست شکنی این قوم با نیرنگ و نقشه کاملاً مزورانه اجرا گردید. بدین معنا که از آنجایی که در روز شنبه صید ممنوع بود و از طرفی هم از این رو برخلاف روزهای دیگر ماهی‌ها به سطح دریا می‌آمدند، این قوم طرحی ریختند که نهرهایی از دریا جدا کنند به گونه‌ای که ماهی‌ها در آن به گردش می‌پرداختند و شبانگاهان جلوی آن نهر را می‌بستند و در روزهای شنبه ماهی‌ها در این نهرها حبس می‌شدند، در روز یکشنبه آنان اقدام به صید ماهی‌ها می‌کردند!

عده‌ای قوم ایشان را نصیحت کردند تا به این کار نپردازند و از مخالفت با فرمان الهی و توجیه احکام دینی دست بردارند، ولی این نصیحت‌ها نتیجه‌ای نداشت.

این قوم سرکش و طغیانگر از آنجا که به مخالفت خویش با امر خداوند، تداوم بخشیدند،

بی‌نوشت

۱. اعراف: ۱۶۳

۲. اعراف: ۱۶۵



محمد فلاحی

اصحاب سبت

